

بولتن بین‌المللی (International Bulletin) شماره ۲۷۳ مربوط به ماه مه ۲۰۲۶

برای آشنایی خوانندگان سایت با مواضع نیروهای مترقی و درک اهمیت بنیادین همکاری و همبستگی منطقه‌ای و بین‌المللی، به معرفی بولتن بین‌المللی (International Bulletin) شماره ۲۷۳ مربوط به ماه مه ۲۰۲۶ می‌پردازیم. این نشریه که توسط حزب کمونیست مارکسیست-لنینیست (ترکیه و کردستان) منتشر شده است، با نگاهی انتقادی به تحلیل تحولات سیاسی، مبارزات طبقه کارگر و پیامدهای اجتماعی-اقتصادی بحران‌ها در منطقه می‌پردازد.

دانلود

خلاصه‌ای از محتوای مقالات منتشر شده در این شماره به شرح زیر است:

کودتای قضایی فاشیستی علیه حزب جمهوری خواه خلق (CHP): در این مقاله، تصمیم دادگاه برای ابطال سی و هشتمین کنگره این حزب و تغییر رهبری آن نه به عنوان یک رای حقوقی، بلکه به عنوان یک تصفیه استراتژیک برای تحکیم قدرت رژیم حاکم تحلیل شده است. این متن تأکید می‌کند که مقابله با چنین سرکوب‌هایی تنها از طریق مقاومت عمومی و ایجاد یک جبهه متحد از طبقه کارگر و تمامی ستمدیدگان با یک برنامه مبارزاتی مشترک امکان‌پذیر است.

روند ادغام در روزاوا: این مقاله به بررسی فشارهای موجودیتی بر ساختارهای خودمختار و جذب نیروهای دموکراتیک در ارتش مرکزی سوریه می‌پردازد. این گزارش به طور ویژه بر تهدیدات ساختاری علیه دستاوردهای انقلاب زنان تمرکز دارد؛ جایی که نهادهای نظامی زنان (YPJ) و شوراهای عدالت جنسیتی که با ازدواج کودکان و ستم جنسیتی مبارزه می‌کنند، در خطر انحلال و جایگزینی با نهادهای محافظه‌کار قرار گرفته‌اند. این مقاله همچنین همگون‌سازی فرهنگی و سرکوب آموزش به زبان مادری را ابزارهایی برای تضعیف خودمختاری دانسته و بر ضرورت مقاومت سازمان‌یافته مردمی برای حفظ این حقوق جمعی تأکید می‌کند.

هنرمندان در تیررس فاشیسم: این بخش تاریخچه‌ای از سانسور، ممنوعیت برگزاری رویدادهای فرهنگی و سرکوب گسترده نویسندگان، موسیقی‌دانان و هنرمندان مترقی و سوسیالیست را روایت می‌کند. مقاله نشان می‌دهد که چگونه نهادهای قدرت، هنر انتقادی را تهدیدی موجودیتی برای خود می‌پندارند و با اقدامات امنیتی در تلاش‌اند تا صدای مقاومت فرهنگی را خفه کنند.

مقاومت در دانشگاه بیلگی: در یک گزارش کوتاه، به موفقیت دانشجویان در برابر حکم لغو مجوز دانشگاه استانبول بیلگی اشاره شده است. این متن گزارش می‌دهد که چگونه اعتراضات گسترده در محافل آکادمیک و دانشجویی توانست به صدور فرمانی جدید برای بازگشایی دانشگاه منجر شود و ثابت کند که مقاومت جمعی می‌تواند سیاست‌های حذفی را به عقب براند.

در ادامه، مقاله «هنرمندان در تیررس فاشیسم» را از میان مطالب این نشریه انتخاب کرده‌ایم و تلاش می‌کنیم در شماره‌های آینده نیز گام‌به‌گام مقالاتی از این دست را برای علاقه‌مندان ترجمه و منتشر کنیم.

انتشار و مطالعه این دست از گزارش‌ها برای خوانندگان سایت، فرصتی است تا با درک عمیق‌تر از مناسبات قدرت، سرکوب دستمزدها، و تأثیرات مخرب ژئوپلیتیک بر زندگی طبقات فرودست، به ضرورت شکل‌گیری همبستگی‌های فرامرزی پی ببرند. آگاهی از این مبارزات نشان می‌دهد که پیشبرد حقوق دموکراتیک، دفاع از جنبش‌های زنان و حمایت از تشکل‌های مستقل، در گرو همکاری بین‌المللی و ایستادگی مشترک در برابر سیاست‌های سلطه‌جویانه است.

هنرمندان در تیررس فاشیسم

تاریخ مملو از نمونه‌هایی از حملات بی‌رحمانه فاشیست‌ها به آثار هنری و هنرمندانی است که با ایدئولوژی غیرانسانی آن‌ها همسو نیستند. هنرمندان، نویسندگان، شاعران و موسیقی‌دانان همواره سانسور، ممنوع‌الکار، مجبور به تبعید، زندانی و شکنجه شده‌اند و یا به اردوگاه‌های کار اجباری فرستاده شده یا به قتل رسیده‌اند. کتاب‌سوزان نازی‌ها در میادین عمومی نمادی بارز از این تاریخ است. قتل ویکتور خارا، موسیقی‌دان، توسط دیکتاتوری فاشیستی پینوشه در سال ۱۹۷۳، نمونه دیگری از اهمیت فرهنگ مقاومت در برابر فاشیسم است.

دولت بورژوازی ترکیه با پذیرش سنت سرکوب با انگیزه‌های مذهبی از امپراتوری عثمانی و انطباق آن با پروژه استعماری خود مبنی بر ایجاد «یک ملت واحد»، خصومتی بی‌حد و حصر را نسبت به هر چیزی که تهدیدی برای موجودیت خود می‌پنداشت، از جمله هنر و هنرمندان، پرورش داد. پس از نسل‌کشی ارمنه، روشنفکران و هنرمندان بازمانده به عنوان بخشی از سازندگی فرهنگی جمهوری جدید، به زور در جامعه هضم (آسیمیله) شدند. هنرمندان ارمنی مجبور شدند نام‌های ترکی برای خود انتخاب کنند. نمایشنامه‌ها، موسیقی و رویدادهای فرهنگی ابتدا مشروط به دریافت مجوز شده و سپس به طور کامل ممنوع شدند. در جریان پوگروم ۶ و ۷ سپتامبر ۱۹۵۵، به مراکز فرهنگی متعددی حمله شد و هنرمندان غیرمسلمان به قتل رسیدند.

قوانین و لوایح دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰، زبان کردی، انتشارات کردی و موسیقی کردی را ممنوع کردند. اجراهای هنرمندان کرد ممنوع شد، هنرمندان دستگیر شدند و آثارشان توقیف گردید. دنگ‌بژها (حاملان ادبیات شفاهی و موسیقی کردی) و همچنین خوانندگان موسیقی فولکلور علوی، به دلیل سیاست‌های یکپارچه‌ساز زبانی، مذهبی و فرهنگی دولت تحت فشار قرار گرفتند. در جریان قتل‌عام‌های دیاربکر، درسیم و کوچگیری، هنرمندان متعددی به طرز وحشیانه‌ای به قتل رسیدند.

آزار و اذیت ناظم حکمت، شاعر کمونیست، نمونه‌ای بارز از دشمنی دولت فاشیستی با هنر انقلابی و کمونیستی است. او مجرم شناخته شد، به زندان افتاد و در نهایت مجبور به تبعید گردید؛ تبعیدی که آن را در اتحاد جماهیر شوروی گذراند. سرکوب نتوانست نفوذ او را که تا به امروز در میان نسل‌های مختلف می‌درخشد از بین ببرد، اما او را از وطنش، که تا آخرین لحظه دلتنگ آن بود، جدا کرد.

نیمه دوم قرن بیستم، از جمله کودتاهای نظامی سال‌های ۱۹۶۰، ۱۹۷۱ و ۱۹۸۰، نیز با حملات دولت فاشیستی به هنر و هنرمندان مترقی و انقلابی همراه بود. در قتل‌عام سیواس در سال ۱۹۹۳، ۳۵ تن از روشنفکران و هنرمندان علوی، از جمله موسیقی‌دانانی چون حسرت گولتکین، مخلص آکارسو و نسیمی چیمین؛ نویسندگان و شاعرانی همچون عاصم بزیرجی و متین آلتیوک؛ و هنرمندان دیگر، زنده زنده سوزانده شدند. این یک قتل‌عام فاشیستی با هدایت دولت بود که توسط یک گروه اوباش فاشیست (لینچ) اجرا شد.

دولت فاشیستی ترکیه که در ۵۰ سال گذشته تمام تلاش خود را برای جلوگیری از هرگونه پیوند میان مبارزات آزادی‌بخش ملی کرد و مبارزات سایر خلق‌های تحت ستم به کار بسته است، همچنان به حملات بی‌وقفه خود علیه هنرمندان اپوزیسیون و انقلابی ادامه می‌دهد؛ حتی در دوران رژیم رهبری فاشیستی که توسط حزب عدالت و توسعه (AKP) در ائتلاف با حزب حرکت ملی (MHP) مستقر شده است. ماهیت سیاسی-اسلامی این رژیم نه تنها هنرمندانی را که در کنار ستم‌دیدگان ایستاده‌اند هدف قرار می‌دهد، بلکه هنرمندانی که با اپوزیسیون بورژوازی یا «سکولاریسم کمالیستی» همذات‌پنداری می‌کنند را نیز در بر می‌گیرد. این حملات در قالب ممنوعیت برگزاری کنسرت‌ها، بازجویی‌ها، دستگیری‌ها، اقدامات سانسوری و سرکوب اقتصادی نمود پیدا می‌کند.

خصومت با آثار هنری و هنرمندانی که به عنوان تهدیدی برای قدرت حاکم یا سبک زندگی تحمیلی آن تلقی می‌شوند، با شعارهایی نظیر «امنیت ملی»، «مبارزه با تروریسم»، «حساسیت‌های اجتماعی» یا «نظم عمومی» توجیه و مشروع‌سازی می‌شود. به ویژه پس از قیام گزی، سیاست‌های فرهنگی و هنری رژیم شکل آشکارا ایدئولوژیکی به خود گرفت. هنرمندان ضدفاشیست، انقلابی، سوسیالیست و کرد که از مقاومت حمایت می‌کردند، هدف قرار گرفتند. موسیقی‌دانانی که مخالفت خود را ابراز کردند، رقصیدند، یا حتی صرفاً لباس‌هایی پوشیدند که مورد پسند رژیم

حاکم نبود، و همچنین هنرمندانی که در آثارشان حتی کوچک‌ترین انتقادی را مطرح کردند، خود را در تیررس فاشیسمی یافتند که تمام نهادهای دولتی و بخش بزرگی از رسانه‌ها را تحت کنترل دارد.

در این میان، یک بخش فرهنگی مجزا و وفادار به دولت در حال ایجاد است که نمادی از تحلیل رفتن و زوال جامعه است. هنرمندانی مانند مجدت گزن و متین آکپینار به خاطر انتقادات سیاسی‌شان در برنامه‌های تلویزیونی، و گنجو ارکال (بازیگر) به دلیل پست‌هایش در شبکه‌های اجتماعی هدف قرار گرفتند. گولشن (خواننده) در یک کنسرت به خاطر لباسش مورد حمله قرار گرفت؛ طوبا اولو (کم‌دین) به دلیل اظهاراتی درباره سلطان سلیمان تحت پیگرد قرار گرفت؛ مابل ماتیز (موسیقی‌دان) به خاطر یک آهنگ با اتهام روبرو شد؛ عایشه باریم (مدیر برنامه) به زندان افتاد؛ و مصطفی کسر به دلیل یک شوخی از اجرای کنسرت منع شد. شمار قربانیان کمپین‌های تخریب شخصیت و لکه‌دار کردن حیثیت تقریباً غیرقابل شمارش است.

اگرچه در حال حاضر مذاکراتی میان دولت ترکیه و پ‌ک‌ک (PKK) برای حل مسئله کردها در جریان است، اما زبان، فرهنگ و موسیقی کردی همچنان تحت فشارهای شدیدی قرار دارد. جشنواره‌ها و کنسرت‌ها لغو می‌شوند، نهادها تعطیل می‌گردند، نمایشنامه‌ها به عنوان «تجزیه‌طلبانه» لکه‌دار می‌شوند و نویسندگان، کارگردانان و موسیقی‌دانان کرد همچنان به زندان می‌افتند. به طور خاص، هنرمندان و نهادهای فرهنگی انقلابی و سوسیالیست تحت تأثیر سرکوب‌های تشدید یافته، تعطیلی‌ها و دستگیری‌ها قرار گرفته‌اند. ممنوعیت برگزاری کنسرت‌های گروه یوروم (Grup Yorum) و زندانی شدن اعضای آن، از جمله هلین بولک و ابراهیم گوکچک که در مقاومت درون زندان به شهادت رسیدند، بخشی از این روند است؛ همان‌طور که دستگیری موسیقی‌دانان و هنرمندان گروه واردییا (Grup Vardiya) و BEKSAV در جریان یورش فوریه گذشته نیز بخشی از این سرکوب‌ها بود.

اخیراً، یک «اقدام تحریک‌آمیز با پرچم» ترکیه در جریان کنسرت ایلکای آککایا، موسیقی‌دان مترقی، در تاریخ ۶ مه در سی‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی بهاره دانشگاه خاورمیانه (ODTÜ)، تازه‌ترین نمونه از اعمال فشار بر رویدادهای ضدفاشیستی و کمپین‌های سازمان‌یافته علیه موسیقی و هنرمندان انقلابی بود. اقدامات تحریک‌آمیز حامیان حزب ظفر (Zafer Party) که با مقاومت دانشجویان روبرو شد، در نهایت به دستگیری دانشجویان ضدفاشیست منجر گردید.

آسیمیلیسیون، سرکوب توسط دستگاه قضایی، زندان‌ها یا ممنوعیت برگزاری رویدادها نمی‌توانند اشتیاق به آزادی را که در تمامی اشکال بیان زیبایی‌شناختی بازتاب می‌یابد، سرکوب کنند. هنرمندان انقلابی و ضدفاشیست، به ویژه، در برابر این ممنوعیت‌ها سر خم نمی‌کنند؛ درست همان‌طور که شعار «انقلاب» (REVOLUTION) را نمی‌توان از محوطه دانشگاه ODTÜ پاک کرد.

ترجمه : صدای فدائی

منبع مقاله :

بولتن بین‌المللی (International Bulletin) شماره ۲۷۳ مربوط به ماه مه ۲۰۲۶

منتشر شده در سایت فدائی

<https://fedayi.org>
webmaster@fedayi.org